

Original Article

Implementation of the right to liberty in the Islamic and international legal system in the light of Articles 19 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 18 of the Covenant on Civil and Political Rights

Yaqoub Alizadeh¹, Sara Rostami^{2*}, Mohammad Masoudi Niya³

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Jurisprudence and Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: mpj.rostami@yahoo.com
3. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 8 Aug 2018 Accepted: 2 Jun 2020

Abstract

Background and Objective: Respect for Human Rights and Freedoms is one of the Fundamental Human Rights in all Legal Systems, Especially the Islamic legal System. Achieving Freedom of Expression, is Mentioned in Article 19 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 18 of the International Covenant on Civil and Political Rights. It Requires the Affirmation of Reasonable Principles and Justifications. Our Aim in This Study is to Examine the Right to Freedom of Expression in Islamic and International Law and to Achieve the Strengths and Weaknesses of This Right in the Above two Legal Systems.

Materials and Methods: This Article is Descriptive-Analytical and has been Compiled by Library Method.

Findings: The Findings Show That the two Systems of Islamic law and International Law have Common Views on the Right to Freedom. The Definition of Freedom of Expression Given by Legal Scholars is that "Freedom of Expression Means Freedom to Express one's Opinion, Whether Social, Political, Philosophical or Religious." In Addition, all Thinkers Believe That Freedom of Expression Must be Within a Specific Framework so as not to Harm the Rights of Others. In fact, Freedom of Thought and Expression is a Vital Right That has Been Studied and Analyzed From Various Religious, Philosophical, Social, Moral, Legal and International Chapters and has been Reflected and Examined in Domestic Laws, Documents and International Treaties.

Conclusion: According to Studies Conducted in the Implementation of Islamic and International Legal Systems Regarding the Right to Liberty, Both in Islamic Law and in International Law, the Right to Liberty is Jointly Considered as one of the Vital Human Rights and Although in Between There are Slight Differences, But in Both Systems the Right to Liberty is Respected.

Keywords: Right to Liberty; International Law; Human Rights; Article 19 of the Universal Declaration of Human Rights; Article 18 of the Covenant on Civil and Political Rights.

Please cite this article as: Alizadeh Y, Rostami S, Masoudi Niya M. Implementation of the Right to Liberty in the Islamic and International Legal System in the Light of Articles 19 of the Universal Declaration of Human Rights and Article 18 of the International Covenant. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 187-197.*

تطبیق حق آزادی در نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل در پرتو ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی

یعقوب علیزاده^۱، سارا رستمی^{۲*}، محمد مسعودی‌نیا^۳

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: mpj.rostami@yahoo.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

چکیده

زمینه و هدف: زمینه و هدف: احترام به حقوق و آزادی‌های انسان از حقوق بنیادین بشر در تمام نظام‌های حقوقی خاصه نظام حقوقی اسلام می‌باشد. لازمه دستیابی به آزادی بیان که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد اشاره قرار گرفته است؛ مستلزم تأیید نمودن اصول و توجیه مستدل و منطقی می‌باشد. هدف ما در این تحقیق بررسی حق آزادی بیان در حقوق اسلام و بین‌الملل و دستیابی به نقاط قوت و ضعف این حق در دو نظام حقوقی فوق است.

مواد و روش‌ها: این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای تدوین گردیده است.

یافته‌های تحقیق: یافته‌ها نشان می‌دهد که دو نظام حقوق اسلام و بین‌الملل در خصوص حق آزادی دیدگاه‌های مشترکی دارند. تعریفی که علمای حقوقی از آزادی بیان ارائه نموده‌اند بدین شرح است: «آزادی بیان یعنی آزادی در ابراز عقیده، نظر و فکر اعم از اجتماعی، سیاسی، فلسفی یا مذهبی». مضافاً اینکه تمام متفکران به این مسأله قائلند که باید آزادی بیان در چارچوب مشخص بوده تا به حقوق دیگران لطمه وارد نیابد. در واقع آزادی اندیشه و بیان از حقوق حیاتی است که از ابواب گوناگون مذهبی، فلسفی، اجتماعی، اخلاقی، حقوقی و بین‌المللی مورد مطالعه و تحلیل واقع گردیده و در قوانین داخلی و اسناد و پیمان‌های بین‌المللی منعکس شده و مورد امان نظر قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: طبق مطالعات انجام شده در تطبیق دو نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل در خصوص حق آزادی، هم در حقوق اسلامی و هم در حقوق بین‌الملل، به صورت مشترک حق آزادی را به عنوان یکی از حقوق حیاتی بشریت به حساب می‌آورند و هرچند در این بین تفاوت‌های اندکی هم وجود دارد، لیکن در هر دو نظام حق آزادی، مورد احترام می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: حق آزادی؛ حقوق بین‌الملل؛ حقوق بشر؛ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

مقدمه

حق بر آزادی یکی از حقوقی است که در نظام حقوقی اسلام و در حقوق بین‌الملل در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی پیش‌بینی شده است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر از طلوع دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس فارغ باشند، به‌عنوان والاترین آرمان بشری یاد شده و نقض آزادی بیان همیشه به سقوط سایر موازین حقوق بشر منجر گردیده است. پذیرش مفهوم آزادی بیان در جوامع امروزی گسترده بوده، چنانچه در اعلامیه‌های حقوق بشر و قانون‌های اساسی گنجانده شده است. در این مقاله تلاش می‌شود که این حق در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشینه تحقیق

۱- محسنی، محمدسالار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «نگرش تحلیلی بر حق آزادی اندیشه، عقیده و بیان با رویکرد فلسفه اسلامی» به این نتیجه رسیده است که حقوق اساسی و بنیادین بشر از جمله آزادی اندیشه، عقیده و بیان با استدلال عقلی و با ملاحظه استعدادها و نیازهای فطری بشر در پیوند با مبدأ هستی و هدف آفرینش، قابل اثبات و توجیه است، ولی این حقوق در عین حال با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو می‌باشد.

۲- سیدیان، سیدمهدی و شعبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب» به ماده ۴ بند میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی اشاره کرده‌اند که مقرر می‌دارد «هرگاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق‌العاده)، موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت ایجاب می‌نماید، اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیض منحصرأ بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ اجتماعی یا مذهبی نشود»، البته این دو ماده مانع از آن شده که کشورها این آزادی‌ها را

محدود نمایند و به ماده ۲۹ بند دوم همین اعلامیه استناد می‌کنند، آنجا که می‌گوید: «هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است».

۳- شکرخواه، یونس (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «آزادی بیان در مصوبه‌های جهانی» به این نتیجه رسیده است که سازمان امنیت و همکاری اوپا در سند پیگیری وین در بخش اطلاعات در ماده ۴۳ خود با اشاره به مقولاتی چون حقوق مالکیت معنوی، کپی‌رایت، حق کسب، مالکیت، بازتولید و توزیع همه نوع اطلاعات آورده است: «آنها (دولت‌های شرکت‌کننده) به تلاش‌های خود برای کمک به دانش و درک گسترده‌تر از زندگی در کشورهايشان ادامه خواهند داد تا اعتماد مردم را افزایش دهند». سازمان امنیت و همکاری اروپا در ماده ۵۳ مصوبات نشست پیگیری وین آورده است: «آنها (دولت‌های شرکت‌کننده) از هر فرصتی که ابزارهای مدرن ارتباطی مشتمل بر کابل و ماهواره فراهم سازد، در جهت اشاعه گسترده‌تر و آزادتر همه نوع اطلاعات استفاده خواهند کرد».

طبق مطالعات فوق مطالعه‌ای که به حق آزادی در نظام حقوقی اسلام و بین‌الملل در پرتو ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی بردارد و به صورت جامع و کامل وجوه شباهت و تمایز این دو نظام حقوقی را در قبال حق آزادی بیان نماید وجود ندارد. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که روزبه‌روز در اثر تحولات جهانی شدن حقوق کشورها به خصوص حق آزادی مفهومی جهانی به خود می‌گیرد.

محدودیت‌های پژوهش

عدم دسترسی به منابع و کتب خاص و اسناد بین‌الملل درخصوص حق آزادی از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌باشد.

تعاریف و مفاهیم

۱- تعریف آزادی در لغت و اصطلاح

۱-۱- تعریف لغوی آزادی: واژه آزادی به معنای حریت، اختیار، خلاف بندگی، قدرت عمل، ترک عمل و قدرت انتخاب معنی شده است (۱).

۱-۲- تعریف اصطلاحی آزادی: آزادی را می‌توان به معنای فقدان مانع در راه خواسته‌های انسان تعریف نمود. آزادی به این معنی است که هر شخصی کاری که می‌خواهد انجام دهد و مانعی در راه آن نباشد و قادر باشد چیزی را انتخاب کند و از چیز دیگری درگذرد (۲).

آزادی توانایی انجام عملی است که به حقوق دیگران لطمه وارد نکند. آزادی یک نظم قانونی و یک عمل مسؤولانه است. همان‌گونه که در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه آمده است: «آزادی عبارت است از توانایی انجام هرگونه عملی که به دیگران لطمه وارد نیاورد. یعنی آزادی انجام هرگونه عملی در راهبرد زندگی در چارچوب یک نظم توأم با مسئولیت است». آزادی دو چیز است: اول اینکه انسان در معرض تعدی و تجاوز مزاحمت دیگران نباشد و دوم اینکه بتواند هرچه بخواهد انجام دهد به شرط آنکه زبانی به حقوق دیگران وارد نیاورد. در اصطلاح، اولی را آزادی منفی و دومی را آزادی مثبت می‌نامند و این هر دو ناشی از رفتار متقابلی است که افراد در اجتماع با یکدیگر دارند و باید در پیش بگیرند و چون سهم هریک از اعضای اجتماع در آزادی با یکدیگر برابر است و همه به‌طور برابر از آزادی برخوردارند لازم است مشخص شود که حدود آزادی چیست تا در حین برخورداری از آزادی، حریم آزادی دیگران نیز مصون و محفوظ باقی بماند. اینجاست که قانون تعیین می‌کند که قلمرو آزادی فرد تا کجاست (۳).

آزادی‌های عمومی مجموعه حقوقی است که نوعی استقلال و خودسامانی در زمینه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی تأمین می‌نماید و این حقوق از منظر رشد شخصیت انسانی ضروری شناخته می‌شود (۳).

۲- تعریف عقیده در لغت و اصطلاح

۲-۱- تعریف عقیده در لغت: عقیده در لغت به معنای هر چیزی است که شخص بدان اعتقاد و باور و یقین دارد و

همچنین به معنای چیزی است که به آن گرویده باشند. منظور از عقاید نیز چیزهایی است که نفس اعتقاد در آن قصد شده باشد (۴). اندیشه نیز به معنای فکر، تفکر، رأی و نظر است و مراد از اندیشیدن فکر کردن و تأمل کردن می‌باشد (۴).

۲-۲- عقیده در اصطلاح: معنای اصطلاحی اندیشه مساوی با همان معنای لغوی آن است که فکر کردن و تأمل و تفکر عقلانی داشتن است که برای شناخت به کار می‌رود (۵).

دیدگاه اسلام و غرب در خصوص آزادی بیان

۱- دیدگاه اسلام

۱-۱- نظر قرآن در خصوص آزادی بیان: در آیات کلام‌الله از آزادی بیان به عنوان قانون الهی به شکل‌های گوناگونی تعبیر شده است:

قرآن کریم در سوره آل‌عمران آیه ۲۰ به پیامبرش می‌گوید: «اگر با تو به گفتگو و مجادله برخیزند تو به آنان بگو که من و پیروانم در برابر خدا و فرمان او تسلیم شده‌ایم و به آنها که اهل کتاب هستند و بی‌سودان بگو آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر در برابر فرمان و منطق حق تسلیم شوند هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند نگران نباش، زیرا بر تو ابلاغ رسالت است و خدا نسبت به اعمال و عقاید بندگان بیناست». از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که روش پیامبر (ص) هرگز تحمیل فکر و عقیده و استبداد رأی نبوده بلکه کوشش و مجاهدت داشته که حقایق بر مردم روشن شود و سپس آنها را به حال خود وا می‌گذاشته که خودشان تصمیم لازم را در پیروی از او بگیرند.

۱-۲- آزادی بیان در روایت: اگر دموکراسی را به‌طور اصولی حکومت مردم بر مردم و اداره امور ملت‌ها به‌وسیله خود آنها معنی کنیم و راه رسیدن به آن را اظهارنظر اکثریت از طریق انتخابات و مشورت آزاد بدانیم این دقیقاً همان نظام عمومی است که قرآن آن را توصیه کرده است. این نظریه که پیش از انقلاب کبیر فرانسه و پارلمان‌تاریسم انگلستان ابراز شده است، توسط شخص پیامبر (ص) در مدینه و حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) در دوران کوتاه خلافتشان عمل شده است. یکی از آیات قرآن به‌طور مستقیم خطاب به پیامبر است و به

فرمود: «اگر دست او را بگیرد و مانع از خرابکاریش شوید هم او را نجات داده‌اید و هم خودتان نجات یافته‌اید و اگر آزادش بگذارید هم او و هم خودتان نابوده شده‌اید».

حضرت رسول (ص) در حدیث اول لزوم اعتراض در مقابل بدعت را متذکر شدند که خود مبین اعتقاد ایشان به آزادی بیان می‌باشد، اما در حدیث دوم با مثالی زیبا و بی‌بدیل حدود آزادی از جمله آزادی بیان را متذکر شدند و با یک مثال زیبا این مفهوم را القاء نمودند که آزادی بدون حد و حصر به هلاکت منتهی می‌شود و این مسأله‌ای است که ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر نیز به آن اشاره دارد: «آزادی افراد محدود است به اینکه موجب زیان و تجاوز به حقوق دیگران و سلب آزادی آنان نباشد و نیز برخلاف مصالح عمومی عملی انجام ندهند».

۲- جایگاه آزادی بیان در فلسفه غرب

۲-۱- آزادی از منظر نوگرایان غربی: تلاش در جهت دستیابی به آزادی واقعی و دوری جستن از آداب و سنن قرون وسطی که انسان هیچ‌گونه حق آزادی نداشت با رنسانس هم‌زمان شده بود و در دوه روشنگری به غایت بالندگی خود رسید. بر اساس این تحول انسان‌ها با هم برابر بوده و حق آزادی داشتند. این تغییر در نظام حقوقی، نیازمند دگرگونی معرفتی و تفسیر جدیدی از عالم و آدم بود که صورت‌بندی آن را فیلسوفان این عصر عهده‌دار بودند. متفکران غایت‌اندیشی را کنار نهاده و در تفسیر عمل انسان، به عواطف و امیالش توجه کردند و همین معیار سنجش قوانین طبیعی شد (۹). آنان قانون طبیعت را در حقوق طبیعی تفسیر می‌کردند و به آزادانه آفریده شدن موجودات تأکید داشتند. به نظر ایشان قانون طبیعت و عقل و عنصر آزاد تفکر، انسان را به مقصود واقعی خویش رهنمون می‌سازد (۱۰).

روسو در کتاب ارزشمند خود با نام «دفاع اجتماعی» بر این جمله تأکید دارد که انسان آزاد آفریده شده و با بیان این جمله مهر تأییدی بر طبیعی، فطری و عمومی بودن این حق می‌زند (۱۱).

از سوی دیگر در اندیشه کانت است که «با طرح ایده بشریت که دربرگیرنده حق برای هر فرد انسانی است، زمینه

او دستور می‌دهد که با تابعین خود در همه امور مشورت کند و جسارت آنها را ببخشد و با آنها از راه رحمت و سازش درآید (۶). تمام این موارد جزء با قبول و اجرای آزادی بیان ممکن نمی‌باشد (۷).

علی (ع) نمونه اعلاء دموکراسی و رعایت حق و آزادی است، زیرا اولاً از هیچ‌کس به اجبار برای خلافت خود بیعت نمی‌گیرد و ثانیاً کسانی را که با او بیعت نمی‌نمایند در اشاعه نظریات و ابراز مخالفت آزاد می‌گذارد (۷). جنگ با معاویه را به مشورت می‌گذارد و ابتدا با مهاجرین و انصار و سپس در مسجد در سطح عمومی آن را مطرح می‌کند. در این جلسه سخنرانی‌های متعددی از جانب برخی سخنگویان مردم علیه جنگ گفته می‌شود و بالاخره اکثریت رأی می‌دهند که به قدر کافی اقدام سیاسی صورت گرفته و اکنون راهی جزء جنگ باقی نمانده است. در ختم جنگ و آتش‌بس هم تسلیم رأی عمومی می‌شود، درحالی که خود با ختم جنگ مخالف است. در عزل و نصب مأمورین و کارگزاران خود نیز رأی مشاوران را می‌پذیرد، حتی اگر مخالف نظر خودش باشد (۷).

حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود مردم را دعوت می‌کرد که حرف خود را بگویند و مپندارند که او هرگز اشتباه نمی‌کند. در جای دیگر مولای متقیان (ع) می‌فرماید: «بالاترین جهاد سخن عدل نزد ستمگر است» و در جای دیگر می‌فرماید: «از سخن و مشورت به عدل خودداری نکنید» (۸). مسأله آزادی بیان علاوه بر آنکه در سنت و سیرت علی (ع) دیده می‌شد پیش‌تر از او در کلام حضرت رسول خاتم (ص) نیز دیده شده که به شکل احادیث نبوی در نزد تمام فرقه اسلامی مورد تأیید و پذیرش است که به برخی از این احادیث اشاره مختصر می‌شود:

«هرکس بدعتی برخلاف آیین اسلام پدید آورده است با آن به مبارزه برخیزد و اگر از مبارزه ناتوان‌اید زبان به اعتراض بکشایید و اگر قادر به اعتراض نیستید در دل از آن بیزاری جویند». جمعی از کشتی‌نشینان صحنه کشتی را میان خودشان تقسیم کردند. یکی از آنان هوس کرد جایگاه مخصوص به خود را با تبر بشکافد. گفتنش چه می‌کنی؟ گفت: اینجا مخصوص به خودم است. هرچه خواستم می‌توانم انجام دهم. پیامبر (ص)

در بند ۲ ماده ۱۹ این میثاق در خصوص حق آزادی عقیده و بیان مقرر شده است: «هر کس از حق آزادی عقیده و بیان بدون هیچ‌گونه مداخله‌ای برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، خواه شفاهی، کتبی، چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.»

درواقع میثاقین برخلاف اعلامیه جهانی که آزادی بیان را بدون هیچ قید و شرطی به رسمیت شناخته، آزادی بیان را تابع محدودیت‌هایی دانسته است. بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «اعمال حقوق مذکور در بند ۱ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب) حفظ امنیت ملی با نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

در نتیجه ملاحظه می‌گردد که حتی نویسندگان این سند بین‌المللی که غربی بوده‌اند و قاعدتاً مسلمان نبوده‌اند آزادی بدون قید و شرط را ناروا دانسته و برای آن محدودیت قائل هستند.

وجوه اشتراک حق آزادی بیان در اسلام و اعلامیه جهانی

۱- تشابهات

۱-۱- تشابه در نحوه اجرای آزادی بیان: در ماده ۱۸ اعلامیه، حق آزادی عقیده و بیان مطرح می‌شود. اگر اخلاق آزادی بیان کاملاً مطلق و بی‌قید و شرط تلقی شود و مشمول آزادی در توهین، افترا، تهمت به دیگران، نشر دروغ و اکاذیب و توهین به دین و مقدسات گردد، از نظر اسلام مردود است، زیرا این‌گونه آزادی‌ها در اسلام ممنوع و غیرمجاز است، ولی آزادی بیان در این ماده بی‌قید و شرط نیست و مشمول این‌گونه موارد نمی‌شود، زیرا ماده ۲۹ اعلامیه جلو سوء استفاده از این نوع آزادی‌ها را بسته و حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه (از

فلسفی برای ایجاد یک جامعه مدنی جهانی فراهم می‌شود که در آن حقوق و بشر، همگانی است» (۱۲). این آموزه‌های معرفتی کانت که هسته مرکزی اندیشه روشنگری است، از یک سو در ایده‌آلیسم آلمانی فیخته و هگل پیگیری می‌شود و از سوی دیگر در قرن نوزدهم میلادی، در پیوند با منفعت (سودگرایی) در بنتام و میل، راه خود را باز می‌کند. ره‌آورد آموزه کانت برای قرن نوزدهم میلادی، مبانی معرفتی و انسان‌شناسانه‌ای است که در آن انسان برای تعیین حقوق خویش، دیگر نیازمند تقید به طبیعت که تا قبل از این، مورد توجه بوده است، نمی‌باشد. این اندیشه، نوعی بنیان معرفتی را فراهم می‌کند که خود را در رویکرد پوزیتیویستی علم حقوق نشان می‌دهد. از دیدگاه پوزیتیویسم، قانون عبارت است از محصول عامدانه مبتنی بر دانش تجربی در خصوص نتایجی که این قانون می‌تواند در جهت نیل به اهداف انسانی مطلوب داشته باشد.

شاخه‌های مختلف پوزیتیویسم حقوقی به رغم تفاوت‌هایی که دارند، همگی در نقد حقوق طبیعی متفق‌القول‌اند (۱۳). اصلی‌ترین شکاف میان ناتورالیست‌ها و پوزیتیویست‌ها باور یا عدم باور به مبنایی مستقل از میل و صواب دید انسان در تصدیق حقوق بشر است. ایده‌های حقوقی پوزیتیویستی در اثرات متفکرانی نظیر بنتام، میل، کنت، جیمز و گاهی نیز در آرای راولز، هایک و نوزیک قابل شناسایی است (۱۴).

تطبیق مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین در خصوص آزادی

حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر که اصلی‌ترین سند بین‌المللی و اولین دستاورد کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (تشکیل شده در چارجوب ماده ۶۸ منشور ملل متحد توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد) به شمار می‌رود، تصریح شده است.

این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مشمول آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز پیش‌زمینه‌های تاریخی مشابهی با احکام اسلامی دارد. می‌دانیم که پس از رهایی اروپا از قرون وسطی و حاکمیت حکام و کشیشان مستبد، دوران دیگری آغاز گردید که به عصر رنسانس مشهور است. در این دوران در کنار افکار آزادی‌گرایانه افکار ضدبشری نیز در قالب مکاتبی چون فاشیسم، نازیسم، مارکسیسم و ... رشد یافت که در اوایل قرن بیستم باعث خرابی‌ها و خونریزی‌های زیادی در کشورهای اروپایی گردید. پایه این مکاتب بر ترجیح نژاد یا طبقه‌ای بر طبقه دیگر بود که خود این مسأله توانست آغازگر دو جنگ جهانی شود که بیش از ۵۰ میلیون نفر را به کام مرگ کشاند. اعلامیه جهانی حقوق بشر بعد از پایان جنگ جهانی دوم و در برهه زمانی تدوین گردید که اروپا زخم خورده این جنگ و کشتارها و خرابی‌های آن بود. بنابراین مشاهده می‌شود تشابه زیادی میان پیش‌زمینه‌های تاریخی احکام اسلام و اعلامیه حقوق بشر وجود دارد.

۲- تمایز میان حق آزادی بیان در اسلام و اعلامیه جهانی

۲-۱- تمایز در مبحث ارتداد: تمایزی که میان اعلامیه جهانی با احکام اسلامی وجود دارد مربوط به نقش مذهب می‌باشد. مطابق مفاد اعلامیه ابراز هرگونه عقیده و بیان حتی اگر مخالف دین و مذهب باشد مجاز است، ولی احکام اسلامی ابراز و بیان عقیده یا فکر یا سخنی را که برخلاف دین اسلام باشد جایز ندانسته و مستوجب کیفر بزه ارتداد می‌داند. لازم به توضیح است که ارتداد در صورتی که بروز و نمود خارجی بیابد از آنجا که برهم زنده نظم دینی اجتماع و نوعی تعدی به تمامیت دینی جامعه اسلامی است به عنوان بزه معرفی شده و کیفر سنگینی برای آن وضع شده است. آزادی افراد در تغییر قلبی و درونی دین را به هیچ وجه نمی‌توان سلب کرد، اما در صورت بروز بیرونی این عقیده قلبی حکم ارتداد جاری می‌شود، زیرا اسلام بیش از آنکه به آزادی افراد بیندیشد به تعالی جامعه می‌نگرد» (۱۶).

۲-۲- تمایز در جهان‌شمول بودن احکام اسلامی:

احکام اسلامی درخصوص آزادی و حریت از جمله آزادی بیان در تمام نقاط دنیا و در تمام عصرها و تمامی فرهنگ‌ها قابلیت

جمله آزادی بیان) را تابع اخلاق، نظم عمومی، رفاه همگانی و محدودیت‌های قانونی نموده است. بنابراین آزادی بیان در این ماده مقید است و هیچ منافاتی با اسلام ندارد.» (۱۵).

۲-۱- تشابه در فلسفه وجودی آزادی‌بیان: اسلام به

عنوان یک دین بیش از آنکه در پی اعطای آزادی‌های فردی باشد در پی تعالی معنوی بشریت است. آزادی‌های فردی در نگاه اسلام در جایگاه هدف قرار نمی‌گیرد. بلکه به مثابه وسیله‌ای است برای دستیابی انسان‌ها به اهداف بلندتر در سطح و تکامل معنوی او» (۱۶).

این رشد و تکامل معنوی ذاتی بوده و اکتسابی نمی‌باشد و ناشی از کرامت انسانی و حق هر انسانی صرف‌نظر از دین، مذهب، رنگ، زبان، جنسیت و ... است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آزادی‌های فردی و اجتماعی را حق هر انسان صرف‌نظر از دین، مذهب، رنگ، زبان، نژاد و جنسیت خاص می‌داند و این آزادی‌ها را حقی ذاتی دانسته که به اعتبار انسان بودن به افراد بشر تعلق می‌گیرد.

۳-۱- تشابه در پیش‌زمینه‌های تاریخی: احکام

آزادی‌بخش اسلام درخصوص آزادی‌های فردی از جمله آزادی بیان در دورانی وضع گردید که جهان در یک وضعیت بغرنج از منظر آزادی و حریت و ارزش‌های بشری قرار داشت. حجاز یا سرزمین عربستان کنونی تحت سلطه اشراف قدرتمند و متکبر قریش بود که هرگونه حریت و آزادی را سرکوب و نظام طبقاتی شدیدی را ایجاد نموده بود. سرزمین‌های متمدن آن روز نیز مانند ایران و روم وضعیت بهتری نداشتند. در روم قدرت در ید طبقه حکام و کشیشان و روحانیون مسیحی قرار داشت که با هرگونه آزادی مقابله می‌نمودند و آزادی بیان مورد ادعای فلسفه غرب که از تعالیم سقراط و ارسطو الهام می‌گرفت تنها میان طبقه حکام رعایت می‌شد، یعنی فقط در سنای روم حق آزادی بیان وجود داشت. وضعیت ایران نیز بهتر نبود. اشراف ساسانی و روحانیون زرتشتی هرگونه صدای مخالفی را تاب نمی‌آوردند. با این پیش‌زمینه‌های تاریخی بود که احکام آزادی‌بخش اسلام به مثابه گوهری درخشید و آزادی‌خواهان دنیا را چون سلمان فارسی، صهیب رومی و مقداد و ابوذر عرب را جلب خود نمود.

علی‌الخصوص آنکه این سازوکار اجرایی علاوه بر توجه به زمینه‌های مادی به زمینه‌های معنوی نیز اشاره دارد.

سازوکار اجرایی اسلام در قبال آزادی بیان

۱- دعوت نمودن به اندیشه، تدبیر و تعقل

بی‌تردید اندیشه دارای جایگاه رفیعی در اسلام است. آیات فراوانی از قرآن کریم در مورد تعقل و گفت‌وگو به طریق احسن وارد شده است که هر یک نمونه روشنی از آزادی بیان شمرده می‌شوند. اندیشه زمانی شکوفا می‌شود که مجال طرح یابد. تدبیر آنجا به بار می‌نشیند که افکار نو زمینه‌های آن را فراهم سازد. تفقه (جست و جوی در دین) بدون ابزار آن نمی‌تواند انجام گیرد. بی‌تردید خلق سخن و اثرات به جای مانده از منابع بشری و الهی در قالب کتاب، تألیف، حدیث و مانند آن از اصلی‌ترین ابزار تفقه‌اند. قرآن در سوره بقره در زمینه برخورد با مخالفان، آنان را به بیان دلایل خود فرا می‌خواند: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» «به آنان (مشرکین) بگو دلایلتان را ابراز کنید اگر راست می‌گویید». می‌توان اصلی‌ترین مستند تاریخی را در حق آزادی در اسلام دانست به گونه‌ای که حتی مخالفین بدون هیچ‌گونه ترس و دلهره‌ای عقاید خود را طرح می‌کردند و در آن زمینه به بحث و گفتگو می‌پرداختند (۱۸).

۲- پیروی از اصل امر به معروف و نهی از منکر

از اصول استوار نزد مسلمین که آیات فراوانی از قرآن مجید بر آن تأکید دارد اصل امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن مسلمین را جمعیتی می‌داند که یکدیگر را به نیکی فرا می‌خوانند و از نادرستی برحذر می‌دارند. آنچه در رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر با آزادی بیان گفتنی است تقابل حق و تکلیف است؛ یعنی آزادی بیان، حق شمرده می‌شود، لیکن امر به معروف و نهی از منکر تکلیف می‌باشد.

۳- پیروی از اصل مشورت

اصل مشورت نیز یکی دیگر از اصلی‌ترین اصول مورد توجه اسلام در امور فردی، اجتماعی و سیاسی است که لازمه منطقی و طبیعی آن وجود آزادی بیان است. قرآن کریم، پیامبر صلی‌الله علیه و آله را به مشورت با یاران و اصحاب

اجرا دارد. فلذا واجد خصیصه جهان‌شمولی می‌باشد. این احکام با گذر زمان یا تغییرات فرهنگی و جغرافیایی انسانی بی‌اثر و غیرقابل اجرا نمی‌شود، بلکه فلسفه وجودی آن بیشتر آشکار می‌گردد. در حالی که اعلامیه جهانی با وجود نکات مثبت و تشابهات فراوانی که با احکام اسلامی دارد، اما جهان‌شمول نمی‌باشد، زیرا همان‌طور که برخی محققان معتقدند حقوقی که به نام حقوق بشر تشریح می‌شود با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که از این حقوق در آنجا تعریف به عمل می‌آید شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. از این‌رو حقوق بشر هیچ‌گاه در چارچوب یک تعریف عام و قابل پذیرش عمومی نگنجیده است. این امر موجب بروز یک معضل در نظام حقوق بین‌الملل شده است. لازمه جهانی بودن آن است که به همه فرهنگ‌ها توجه شود یا دست‌کم قدر مشترک تمام نظام‌های حقوقی اخذ شود. همان‌طور که برخی از دولت‌های جهان سوم نظیر ایران، هند، چین و برزیل اعلام کرده‌اند حقوق بشر مورد نظر غرب برخلاف عقیده و فرهنگ آن‌هاست. لذا در مسائل حقوق بشر بایستی به فرهنگ‌های بومی توجه شود و معیارهایی که صرفاً براساس فرهنگ و سنن فلسفه غربی است نباید جهانی تلقی گردد (۱۷).

۳-۲- تمایز در سازوکار اجرایی: اعلامیه جهانی حقوق

بشر تنها به رسمیت شناختن آزادی بیان اکتفاء نموده، اما سازوکار اجرایی مشخصی برای آن در نظر نگرفته است. همین مسئله باعث شده هر کشوری تفسیری از نحوه اجرای آزادی بیان ارائه نماید که این تفاسیر گاهی با روح مفاد اعلامیه منافات دارد. مثلاً در بسیاری از کشورهای غربی از جمله فرانسه انکار در هلوکاست جرم تلقی می‌شود و اگر کسی از حق آزادی بیان استفاده نماید و هلوکاست را نفی کند کیفر می‌شود، ولی در همین کشور اگر کسی از حق آزادی بیان استفاده کند و نعوذبالله حضرت عیسی‌بن‌مریم را نفی کند کیفر نمی‌شود. به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان سازوکار اجرایی حقوق بشر در دنیا بیشتر از آنکه تابع مسائل حقوقی باشد تابع مسائل سیاسی است، اما برعکس اسلام در خصوص آزادی بیان دارای سازوکار اجرایی مشخص، مستدل و مدون می‌باشد که از عدالت و شمولیت و تمامیت خاصی برخوردار است،

نارضایتی‌هایی بروز کند و گزارش آن را به مقامات نرساند و یا ناقص برساند - هرچند تلخ - مفید است. اگر حاکمیتی به هر دلیل خود را بی‌نیاز از اطلاعات برآمده از انتقادهای مردم بداند، باز نمی‌تواند این کارکرد انتقاد را نادیده بگیرد که وقتی فردی به هر دلیل - حق یا ناحق - از کسی انتقادی دارد و آن را به زبان می‌آورد، حس می‌کند که سبک شده است، اما اگر نتواند آنچه در دل دارد بگوید، تبدیل به عقده‌ای می‌شود و به شکل دیگری که غالباً خشن‌تر است، بروز پیدا می‌کند.

اصول کافی در بابی با عنوان «النصیحه لائمہ المسلمین» می‌آورد: پیامبر اسلام در مسجد خیف در سرزمین منا و در مراسم حج در میان مردم فرمود: «خدای یاری دهد آنکه سخنم را بشنود و آن را حفظ کند و نگه دارد و به آنکه نشنیده است، برساند. مرد مسلمان در سه چیز کینه و خیانت نمی‌کند. عمل خالص برای خدا، نصیحت به زمامداران مسلمان و تحکیم جامعه اسلامی».

مسلمانان با عنایت به آموزه‌های دین مبین اسلام بر این باورند که به عنوان انسان دارای حقوق و تکالیفی هستند. یکی از این حقوق حق آزادی و برابری است که در اسلام مورد توجه قرار گرفته است. این حق به آنان این اجازه را می‌دهد که بدون ترس نسبت به عملکرد حاکمان خود انتقاد نمایند و در واقع آزادی بیان دارند و این از ویژگی‌های بارز حکومت اسلامی است (۱۸).

نتیجه‌گیری

آزادی بیان بدون آزادی عقیده مصداق و تبلور پیدا نمی‌کند. چون تا آزادی در انتخاب عقیده نباشد بیان آن قابلیت اجرا نمی‌یابد. بنابراین اکثر متفکرین آزادی بیان را در کنار آزادی عقیده تعریف می‌نمایند. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به این دو توأمان اشاره دارد. تفاوت آزادی بیان در اسلام و اعلامیه جهانی اولاً به مسأله ارتداد برمی‌گردد؛ بدین معنی که اسلام ابراز عقیده شرک‌آلود را تاب نیاورده و مستوجب کیفر می‌داند، دوم آنکه آزادی بیان در اسلام حالت جهان‌شمولی داشته و در همه عصرها و فرهنگ‌ها قابلیت اجرا دارد و سوم آنکه اسلام سازوکار اجرایی حق آزادی بیان را در قالب اصل

فرمان می‌دهد. روشن است چنانچه مردم، به‌طور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود نتوانند نظرات خویش را ابراز کنند، مشورت موضوع و هدف خود را از دست خواهد داد. مشورت زمانی واقعی است که بدون ترس از قدرت حاکم، بیان شود. بر این اساس اجرای اصل قرآنی مشورت با به رسمیت شناختن حق آزادی بیان تضمین خواهد شد (۱۸).

۴- پذیرفتن حق انتقاد و نصیحت به زمامداران مسلمان

حق انتقاد یکی از نمونه‌های بارز حق آزادی بیان است. این حق برای یکایک شهروندان محفوظ است و هر کس می‌تواند دستگاه‌های مختلف سیاسی کشور را مورد انتقاد قرار دهد. به رسمیت شناختن این حق در عمل، زمامداران را وادار می‌کند تا در پرهیز از نگاه تیزبین توده مردم و خردمندان جامعه، چنان عمل کنند که کمتر هدف انتقاد قرار گیرند. آورده‌اند که پیامبر در واپسین روزهای عمر شریف خود در مسجد حاضر شد و در آخرین سخنرانی خود، به والی پس از خود، چنین گوشزد فرمود: «... ولم یعلق بابه»، در را به روی مردم نبندد (راه حضور آنان را بازگذارد) تا زورمندان ضعیفان را - لقمه نکنند «... فیأکل قویهم ضعیفهم»، اما علی علیه‌السلام در مورد زمامداری خود می‌فرماید: «ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و حق من بر شما این است که در بیعت وفادار بوده و در آشکار و نهان خیرخواهی و نصیحت را از دست ندهید» (۱۹).

امام صادق علیه‌السلام نیز بهترین هدیه را بیان عیب‌ها از سوی دوستان می‌شمارد و می‌فرماید: «احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی» محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند. به رسمیت شناختن حق انتقاد از سوی حاکمیت به سود اوست، زیرا در این صورت علاوه بر آنکه پایبندی خود را به قانون نشان می‌دهد، حکومت خود را نیز از آفات درازمدت قانون‌شکنی حفظ می‌کند. نتیجه بستن راه انتقاد، ترویج بی‌عدالتی و قانون‌شکنی در دراز مدت و بزرگ‌ترین ثمره انتقاد، اطلاع‌رسانی است. هیچ حاکمیتی از داشتن اطلاعات بی‌نیاز نیست. برای مثال اگر در سطح جامعه

امر به معروف و نهی از منکر، اصل دعوت به مشورت و تعقل و اصل انتقاد و نصیحت به حکام و زمامداران مشخص می‌نماید. اعلامیه جهانی از حالت حقوقی خارج شده و امروزه حالت سیاسی پیدا نموده و به ابزار سیاسی در دست غرب و دنیا جهت تخطئه مخالفین تبدیل شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر علی‌رغم امعای موافقان آن حالت جهان‌شمولی نداشته و در بسیاری از فرهنگ‌ها با تضاد و مخالفت روبه‌روست. این اعلامیه به مسأله مذهب و اعتقاد ماورایی اشاره نداشته و اعتقاد خودگرایانه در آن حاکم است و خردگرایانه بودن آن بدین معنی است که نقص دارد. چرا که خود انسان نمی‌تواند معیار باشد. به عبارت دیگر انسانی که خود ناقص و معیوب است، نمی‌تواند ضابطه و قاعده جهان‌شمول وضع نماید.

References

1. Dekhoda A'A. Dekhoda's Dictionary. 7th. Tehran: Majles Publication; 1998. Vol. 2. p. 86.
2. Lak Zaii Sh. Political freedom in Shahid Motahari's and Beheshti's thoughts. 1th. Ghom: Boustane Ketab Publication; 2003. p. 21.
3. Tabataba'ii Mo'tameni M. Public freedoms and Human rights. University Of Tehran Publication; 2015. p. 19-21.
4. Anis E et Others. Al-Mo'jam Al-Vasit. 10th. Tehran: Islamic Culture Publishing; 2001. p. 614, 387.
5. Armin M. Najar A'M (Author). Freedom of thought and expression; the cause of division and cultural unity. 1th. Tehran: Ghatreh Publication; 1998. p. 55.
6. Allah. Quran: Sureh Bagharah: Ayeh 159.
7. Basteh Negar M. Human rights from the perspective of thinkers. 1th. Tehran: Sahami Enteshar Publication; 2001. p. 94, 77, 214.
8. Majlesi MB. Beharo Al-Anvar. 20th. Beyrout: Daro AlEhya Al-Tora Arabi Publication; 1983. Vol. 2. p. 95.
9. Ra'ii M. Challenge of right and duty. Book Review Magazine. 2005; 36: 49.
10. Majlesi F. The principals of human rights. Freeden Michael (Author). 1th. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication; 2003. p. 21.
11. Abou Sa'idi M. Human rights and its evolution in the West. 1th. Tehran: Asia Publication; 1964. p. 29.
12. Javid MJ. Human rights in the postmodern era. Law Quarterly 2007; 37: 42.
13. Mansouri Larijani E. The evolution of human rights and its comparative study with the interpretive principles of human rights in Islam. 1th. Tehran: Taban Publication; 1995. p. 191.
14. Mardiha M. Philosophical movement of human rights. Quarterly Journal of Private Law Studies. 2008; 4: 312.
15. Hashemzadeh Harisi H. Universal Declaration of Human Rights from the Perspective of Islam. Book Review Magazine. 2010; 54: 247.
16. A'mid Zanjani A'A'. Islamic human rights and the inherent dignity of human in Islam. Law Quarterly. 2009; 4 (37): 179.
17. Dousti M. Freedom of opinion and expression in Islam and its comparative study with international human rights documents. Tehran Iran: Islamic Azad University Tehran Markaz; 2007. p. 111.
18. Mir Mohammadi SM. Freedom of expression in religious teachings and human rights. Ravaghe Andishe Magazine. 2005; 44: 10, 12, 14, 15.
19. Imam A'li. Nahjo -Al-Balaghah: Khotbeh: 34 (Seyed Razi, Dashti M). 9th. Tehtan: Bonyade Nahejo Al-Balaghah Publication; 2010: 101.